

روشهای مختلف استیناف در آیین دادرسی فرانسه

طهمورث چمن پور (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)

در آیین دادرسی فرانسه دو نوع استیناف پیش‌بینی شده است:

اول: استیناف عادی: در این حالت پرونده برای بار دوم بررسی یا قضاوت می‌شود و عبارت است از واخواهی^(۱) و پژوهش^(۲).

دوم: استیناف فوق‌العاده^(۳): فقط در حالتی که استیناف عادی امکان‌پذیر نیست و فقط به حکم قانون می‌باشد و بردو نوع است: استیناف در دیوان کشور^(۴) و استیناف در دادگاه تجدیدنظر (استان)^(۵).

- زمانی که یک اشتباه قانونی وجود داشته باشد (از لحاظ شکلی) در دیوان کشور استیناف انجام می‌شود.

- زمانی که یک اشتباه در وقایع وجود داشته باشد (از لحاظ ماهوی) در دادگاه تجدیدنظر استیناف صورت می‌گیرد.

الف) استیناف عادی:

طبق مواد (۵۴۴) و (۵۴۵) آ.د.ک، واخواهی در مقابل حکم صادرشده از دادگاه خلاف^(۶) و طبق ماده (۴۸۷) آ.د.ک، در مقابل حکم صادرشده از دادگاه جنحه^(۷) و طبق ماده (۵۱۲) آ.د.ک، در مقابل حکم صادرشده از دادگاه تجدیدنظر جنحه یا استان، امکان‌پذیر است.

وقتی به متهم ابلاغ واقعی شده باشد و در دادگاه حاضر نشود ولی عذر موجهی داشته باشد (مثلاً در خارج زندگی کند)^(۸) در این حالت طبق بند یک ماده (۴۱۰) واخواهی امکان‌پذیر است، ولی اگر عذر موجهی وجود نداشته باشد. طبق ماده (۴۱۰) واخواهی امکان‌پذیر نیست.

این استیناف فقط زمانی ممکن است که متهم غایب باشد یا رأیی برخلاف منافع مدعی خصوصی^(۹) صادر شده باشد. - درخواست واخواهی بایستی ظرف مدت ده روز برای متهم مقیم شهر و حومه و یک‌ماه برای خارج از آن از زمان اطلاع از نتیجه دادرسی تسلیم گردد (ماده ۴۹۱ آ.د.ک) در غیر این صورت و با گذشت مواعد فوق، چنین نتیجه گرفته می‌شود که متهم به حکم رضایت داده است. (ماده ۴۸۹ آ.د.ک)

- واخواهی دو نوع تأثیر دارد که در صورت لغو یا ابطال حکم مطابق ماده (۴۸۹) آ.د.ک، شامل اثر تعلیقی^(۱۰) به معنای معلق شدن اقدامات اجرایی حکمی که علیه آن اعتراض صورت گرفته و دیگر اثر از بین برنده^(۱۱) یا امحایی که در نتیجه آن حکم فسخ شده و پرونده مجدداً توسط همان دادگاه صادرکننده حکم اولیه و توسط دادرسی عادی بررسی می‌گردد.

- وقتی توسط دادگاه جنایی^(۱۲) حکم غایبی صادر شده باشد، اگر متهم قبل از اجرای حکم بازداشت باشد (۲۰ سال) حکم باطل می‌شود؛ به این معنا که قضاوت خود به خود باطل است و پرونده بایستی مجدداً بررسی شود. این

موضوع با واخواهی در مقابل حکم دادگاه خلاف و دادگاه جنحه قابل قیاس نیست؛ زیرا در این حالت بعضی از آثار حکم اولیه دادگاه جنایی باقی می‌ماند (مثل مصادرسدن اموال)

۲- پژوهش

این مورد استینافی است که براساس یک نکته شکلی یا ماهوی در نوع محکومیت و میزان مجازات در حکم صادرشده از دادگاه خلاف و دادگاه جنحه‌ای که کلیه جوانب موضوع را بحث و دفاعیات را استماع نموده باشد، شکل می‌گیرد و یا زمانی که متهم غایب باشد و واخواهی را انتخاب نکند.

طبق ماده (۴۴۹۶ آ.د.ک) پژوهش در مقابل کلیه تصمیمات دادگاه جنحه و برای کلیه طرفین دعوا امکان‌پذیر است. ولی در مقابل تصمیمات دادگاه خلاف فقط زمانی امکان‌پذیر است که یا خسارتی از جهت حکم برمدعی خصوصی وارد شده باشد یا مجازات بیش از ۵۰۰۰ فرانک فرانسه باشد. (طبق بند ۱ ماده ۵۴۶)

در حالت اول، پژوهش فقط برای متهم امکان‌پذیر است و اگر حداکثر مجازات بیش از ۵۰/۰۰۰ فرانک فرانسه باشد، پژوهش برای دادستان نیز امکان‌پذیر است و در هر دو حالت، مدعی خصوصی می‌تواند در صورتی که خسارتی بر وی وارد شده باشد پژوهش دهد.

- طبق ماده (۴۹۸ آ.د.ک) تقاضای پژوهش بایستی ظرف مدت ده روز از محکومیت ارائه گردد و دادسرا^(۱۳) دو ماه جهت پژوهش وقت دارد. (مطابق مواد ۵۰۵ و ۵۴۸ آ.د.ک)

- اثرات پژوهش:

اولین اثر پژوهش، معلق نمودن اجرای حکمی است که علیه آن اقامه پژوهش شده (اثر تعلیقی). اگر متهم قبل از حکم اولیه محبوس باشد بایستی در صورت تبرئه یا تعلیق حکم یا جریمه طبق ماده (۴۷۱) آ.د.ک، بلافاصله آزاد شود.

اثر دیگر پژوهش ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر^(۱۴) جهت بررسی دفاعیات طرفین می‌باشد. (اثر انتقالی)^(۱۵) (مطابق مواد ۵۰۹ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۵ آ.د.ک) دادگاه تجدیدنظر می‌تواند با کیفیتی نو که حقایق موجود در پرونده ارائه می‌دهد زمینه‌های جدید حقوقی را بررسی کند (یک بررسی ماهوی) ولی نمی‌تواند حقایق جدیدی که در داوری اولیه به دادگاه ارائه نشده است را لحاظ نماید و در رابطه با دعاوی تازه نیز نمی‌تواند اتخاذ تصمیم نماید. بخشی از این محدودیت می‌تواند از جهت موضوع دعوا و وضعیت پژوهش خواه باشد که قدرت دادگاه تجدیدنظر را محدود می‌کند.

- دادسرا نمی‌تواند براساس خسارت واردشده پژوهش‌خواهی نماید، بلکه بایستی براساس تعقیب جنایی درخواست پژوهش کند. دادگاه تجدیدنظر می‌تواند حکم اولیه را برحسب تقاضای دادسرا تأیید کند یا از جهت شدت و ضعف تغییر دهد.

- شخصی که محکوم شده هم با توجه به محکومیتش و هم در مقابل صدمات وارد شده به مدعی خصوصی می‌تواند تقاضای پژوهش نماید. طبق مواد (۵۱۲) و (۵۱۵) آ.د.ک، دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند محکومیت یا خسارت وارد شده را افزایش دهد. اما اگر دادسرا تقاضای پژوهش نماید این خطر برای محکوم علیه وجود دارد که تجدیدنظر مجازات را افزایش دهد؛ در حالی که مدعی خصوصی تقاضای پژوهش می‌نماید چه از جهت خسارت وارد شده و چه از جهت میزان صدمات وارد شده، دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند آن را کاهش دهد.

در سال ۱۹۸۲ م، طرحی که تجدیدنظر در برابر تصمیمات دادگاه جنایی را امکان‌پذیر می‌کرد، مطرح شد؛ اما "ژاک توبون"^(۱۶) (وزیر وقت دادگستری) طرح جدیدی را ارائه نمود که طبق آن، محکومین دادگاه جنایی دلایل پژوهش خود را جهت دادرسی پژوهشی ارائه می‌کردند. (لوموند، ۷ ژوئن ۱۹۹۵) از آنجا که هر اصلاحی در دادرسی جنایی سیاسی انجام می‌گیرد، تعجب‌آور نبود که مشوق وی خانم "ژیژو"^(۱۷) عجله‌ای برای تصویب آن نداشت؛ اما در نهایت، این طرح قسمتی از یک طرح اصلاحی اساسی شد که وی پایه‌گذار آن بود.

وزیر جدید دادگستری، خانم "مری لیس لبرنشو"^(۱۸) مراحل بعدی طرح اصلاحی را به دست گرفت. اکنون با قانون جدید به نام (قانون احیای حمایت از حقوق بی‌گناهان و بزه‌دیدگان) احکام دادگاههای جنایی بجز در مواردی که منجر به تبرئه شود توسط متهم و دادسرا قابل پژوهش است.

محکومیت نمی‌تواند در مرحله پژوهش افزایش یابد مگر اینکه دادسرا شکایت نموده و تقاضای پژوهش کند. جهت مقابله با تصمیمات نهایی دادگاهها، مثلاً دادگاه خلاف (در پرونده‌هایی که اجازه پژوهش داده نشده است) روش دادرسی مراجعه به دیوان کشور است. کلیه پرونده‌هایی که در دادگاهها بسته می‌شوند می‌توانند توسط یک دادرسی مختصر یا مروری توسط دیوان عالی بازگشایی شود.

استیناف فوق‌العاده (استثنایی)

طرفین دعوا در صورت تمایل حق دارند ظرف پنج روز پس از اتمام دادرسی تقاضای استیناف خود را به دیوان جنایی بدهند. این روش فوق‌العاده استیناف زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نقض قانون اتفاق افتاده باشد. (ماده ۵۹۱ آیین دادرسی) این نقض قانون شامل موارد زیر است:

الف - دادگاه از ترکیب مناسبی برخوردار نبوده یا دادرسی علنی نبوده است. (ماده ۵۲۹)

ب - رأی از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شود.

ج - تصمیمات بالاتر از اختیارات دادگاه اتخاذ شده باشد.^(۱۹)

د - عدم رعایت حقوق شکلی یا ماهوی در دادرسی.

ه - دلایل دادگاه برای صدور رأی کافی نباشد. (نقض دلایل^(۲۰)، عدم کفایت دلایل^(۲۱)) یا تناقض دلایل و

انگیزه‌ها)^(۲۲)

و- تصمیم اتخاذ شده توسط دادگاه غیرقانونی باشد. (ماده ۵۹۱)

ز - پژوهش خواه ادعا کند که دادگاه، قانون را به درستی تعبیر نکرده یا به درستی به کار نبرده. تاکنون قضاوت‌های دادگاه جنایی در دادگاه تجدیدنظر نمی‌توانسته مورد استیناف قرار بگیرد.

اگر متهم تبرئه شده باشد دادسرا نمی‌تواند تقاضای استیناف به دیوان عالی بدهد. دادسرا فقط زمانی می‌تواند تقاضای استیناف به نفع قانون را به دیوان عالی بدهد که اشتباه قانونی رخ داده باشد. در این صورت دیوان عالی پرونده را مورد بازبینی قرار نمی‌دهد، بلکه به بحث حقوقی گوش فرا می‌دهد و وقتی به این نتیجه رسید که دادگاه پایین‌تر قانون را درست به کار نبرده است تنها اختیار ابطال دادرسی را خواهد داشت و خود قضاوت نخواهد کرد، بلکه پرونده را به دادگاه هم عرض دادگاه بدوی خواهد فرستاد. این دادگاه، تجدید نظر ماهوی^(۲۳) خواهد کرد و وظیفه‌اش بررسی کل پرونده هم با توجه به حقایق و هم با توجه به قانون است. طرفین دعوا ممکن است در این مرحله، دعوی تازه‌ای را مطرح کنند. در این تجدیدنظر ماهوی، دادگاه مجبور به تبعیت از تفسیر قانونی ارائه شده توسط دیوان کشور نیست. اگر رأی دادگاه با تفسیر قانونی که توسط دیوان کشور ارائه شده موافق نباشد باب استیناف برای بار دوم برای طرف ناراضی از حکم مفتوح می‌شود.

استماع این ادعای تجدیدنظر با هیئت عمومی^(۲۴) است و اگر دیوان بازهم تصمیم بگیرد که رأی دادگاه را با همان دلایل سابق رد کند، پرونده را به دادگاه عمومی که هم عرض است می‌فرستد. این بار دادگاه گرچه در ارزیابی دلایل و واقعیات آزاد است، ولی مجبور به پذیرش تفسیر قانونی است که توسط دیوان انجام گرفته است.

اعاده دادرسی

بعد از اینکه همه راهها جهت استیناف یک پرونده مسدود شد، پرونده می‌تواند مجدداً با یک دادرسی در دیوان عالی بازگشایی شود. از طریق اعاده دادرسی، یک پرونده جنایی در جهت منافع شخص محکوم مجدداً بررسی می‌شود، به شرطی که اشتباه قضایی اتفاق افتاده باشد و کلیه حقوق محکوم جهت دسترسی به استیناف از روشهای دیگر از میان رفته باشد.

اساساً جهات مختلف اعاده دادرسی که توسط آیین دادرسی کیفری شناخته شده است بر سه قسم است. (ماده ۶۲۲ آ.د.ک)

الف - در پرونده‌های قتل، ارائه مدرکی مبنی بر زنده بودن شخصی که متهم به قتل وی محکوم شده است.

ب - شخص دیگری به دلیل همان جرم محکوم شده باشد (و امکان وجود دو متهم برای جرم نباشد).

ج - محکومیت شاهد برای شهادت دروغ (که اساس حکم باشد).

حالت چهارمی توسط قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۸۹م، پیش‌بینی شده و آن کشف یک واقعیت جدید یا ارائه اسنادی است که دال بر بی‌گناهی متهم باشد.

به این ترتیب، اگر بعد از محکومیت متهم، واقعیات یا اسناد جدیدی که مرتبط با پرونده بوده و در دادگاه ارائه نشده است کشف شود و شک در مورد مجرمیت متهم را افزایش دهد، دیوان کشور جهت تعیین اهمیت و تأثیر مدرک ارائه شده قبل از اینکه در دادگاه مطرح شود، از طریق یک کمیسیون پنج نفره از قضات تصمیم‌گیری می‌کند. این کمیسیون^(۲۵) یا خود به تنهایی یا از طریق احاله به محکمه دیگر تحقیق کاملی شامل بررسی اسناد و مواجهه میان متهم و شاهدان انجام خواهد داد و نسبت به ارجاع پرونده به دیوان جنایی، رأی^(۲۶) خواهد داد. در مقابل این رأی، پژوهشی وجود ندارد و قطعی است.

اگر دلایل جهت طرح در دیوان جنایی پذیرفته شود، دادگاه از طرفین دعوا برای شنیدن و نگارش اظهارات دعوت به عمل می‌آورد و سپس تصمیم می‌گیرد تا یا تقاضا را رد کرده و محکومیت را تأیید نماید یا محکومیت را نقض کند؛ و نسبت به این رأی نیز پژوهش وجود ندارد و قطعی است.

اگر هیچ امکانی برای محکومیت مجدد پژوهش خواه وجود نداشته باشد و به‌وضوح وی بی‌گناه باشد، دیوان رأساً محکومیت را نقض می‌کند و ارجاع پرونده به دادگاه پایین‌تر بی‌فایده است.

اما اگر امکان محکومیت مجدد پژوهش خواه وجود داشته باشد پرونده به دادگاه مناسب جهت محاکمه مجدد فرستاده خواهد شد.

شخصی که حکم محکومیت وی نقض شود می‌تواند جهت جبران خسارت اقامه دعوا کند. (ماده ۶۲۶ آ.د.ک) طی دو سال پس از تصویب و اجرای قانون ۱۹۸۹م، دیوان کشور، یک‌صد و هشتاد درخواست اعاده دادرسی دریافت داشته که همگی براساس بند چهار ماده (۶۲۲) آیین دادرسی کیفری ادعا شده بود.

از این ۱۸۰ تقاضا، ۹۷ مورد فاقد هرگونه پایه و اساسی بوده و صرفاً پژوهش خواهان ادعای بی‌گناهی کرده بودند. در ۶۷ مورد کمیسیون رأی به عدم کفایت مدارک جهت احاله پرونده به دیوان جنایی صادر کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱_ L' opposition.

۲_ L' appel.

۳_ extraordinaire (فوق العاده).

۴_ Pourvoi en cassation.

۵_ Pourvoi en revision.

۶_ tribunal de police.

۷_ tribunal correctionnel.

۸_ Crime ۱۳ nor ۱۹۸۵.

۹_ Particivil.

- ۱۰ _effect suspensif.
- ۱۱ _effect extinctif.
- ۱۲ _Courdassis.
- ۱۳ _ministere public.
- ۱۴ _Courdappel (chamber des appeles cprrectionels).
- ۱۵ _effect devdutig.
- ۱۶ _gacque toubon.
- ۱۷ _Madame Guigou.
- ۱۸ _Madame Marylise Lebranchu.
- ۱۹ _excés de pouvoir.
- ۲۰ _de'faut.
- ۲۱ _insuffisance.
- ۲۲ _contradiction des motifs.
- ۲۳ _Juridiction de renvoi.
- ۲۴ _assembleé pléniere.
- ۲۵ _Comissions rogatoires.
- ۲۶ _Chamber Criminelle.

منبع: سایت اینترنتی «Legal connexion»